

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)

۱۴ اپریل ۲۰۲۴

## جلسه مشترک زنان فرصت طلب ایرانی و افغان:

"پایان دادن به آپارتاید جنسیتی" یا سوداگری با جنبش زنان افغانستان!

زنان افغانستان از زمان به قدرت رساندن طالبان توسط امپریالیست های امریکائی، مبارزات خود را علیه این حکومت زن ستیز و قرون وسطائی به اشکال گوناگون پیش برده اند و در این راه هزینه های گزافی نیز پرداخته اند. زنانی که علیه محدودیت های ضد زن طالبان در خیابان ها و دانشگاه ها دست به اعتراض زدند، زندانی شدند و تحت شکنجه های جسمی، روحی و تجاوز قرار گرفتند. زنان بسیاری ربوده و ناپدید شدند و یا پیکرهای شکنجه شده شان پس از مدتی در گوشه ای یافت شده است. این شیوه های زن ستیزانه طالبان قرار است که زنان را از مبارزه باز دارد. اما با تمام خشونت های وحشیانه و زن ستیزانه طالبان، مبارزه و مقاومت زنان هم چنان ادامه دارد.

شکی نیست که مبارزات زنان در افغانستان و سایر نقاط جهان، با افت و خیز و پیچ و خم روبه رو بوده و خواهد بود و در این میان کسانی یافت خواهند شد تا با مبارزات زنان افغانستان به کسب و کار بپردازند. شاید روشن باشد که ما از چه چیز سخن می گوئیم. اخیراً شماری از «فعالین زن» از افغانستان و ایرانی جلسه مشترکی را برگزار کردند. این خبر بر مبنای یادداشتی است که در شبکه های اجتماعی توسط هدا خموش منتشر شده است. هدا خموش در ۴ اپریل ۲۰۲۴ خبر داده است که «این اولین جلسه زنان ایرانی و افغان با هدف پایان دادن به آپارتاید جنسیتی و اتحاد برای پایان دادن به گروه تک جنسیتی و مردانه» طالبان و جمهوری اسلامی ایران است. به همراه این یادداشت تصاویری از شکریه بارکزی نماینده پارلمان سابق افغانستان و مسیح علینژاد «مخالف» جمهوری اسلامی ایران دیده می شود. البته مسیح علینژاد در این رابطه و قبل از این جلسه در اول ماه حمل (فروردین) «فرمان اتحاد» را در سال جدید، که «سال اتحاد ایرانیان و افغان ها علیه آپارتاید جنسیتی» است، صادر کرده بود.

قصد مسیح علینژاد از صدور این «فرمان» و ایجاد اتحاد با هم فکران خود در افغانستان، این است که بتواند تفکرات بغایت راست و سازش کارانه خود را در بین زنان و مبارزات آنان اشاعه دهد تا این خط فکری را ایجاد کند که گویا این قدرت های امپریالیستی هستند که می توانند آنان را از شر طالبان «نجات» دهند. هر قدر این تفکرات در بین زنان و مبارزات شان در افغانستان پا بگیرد، شرایط برای علینژاد و معامله گری های بیشترش با سران و سلاطین قدرت های امپریالیستی مهیا تر می شود.

اما مسیح علینژاد کیست؟ وی سال ها در «دربار» رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی در رفت و آمد بود و سال های طولانی زنان را به خاطر مقاومت و مبارزه علیه حجاب اجباری و مقابله با اصلاح طلبان حکومتی، تقبیح می کرد تا بتواند «پله های قدرت» را از طریق راهروهای مجلس و نمایندگان «اصلاح طلب» به سرعت طی و به بالا صعود کند. اما تشت رسوائی اصلاح طلبان حکومتی چنان بر زمین کوبیده شد که دیگر جائی برای علینژاد و اهدافش باقی نگذاشت. بعد از سال ۸۸ و راندن اصلاح طلبان بود که علینژاد با بن بست روبه رو شد و چارقد را برداشت و در خارج ماند .

در خارج هم تلاش کرد تا با منکوب کردن مبارزات زنان از طریق باز کردن راه به محافل امپریالیستی شرایط را برای رسیدن به اهداف خود هموار کند. این بار دیدار با نمایندگان امپریالیست ها هم چون پمپئو و مکرون در این راستا انجام پذیرفت تا بتواند از طریق جلب نظر سران کشور های امپریالیست های غربی شرایط را برای بالا رفتن از نردبان قدرت آماده نماید. در چند سال اخیر به طور آگاهانه و نقشه مند، رسانه های امپریالیستی یکی پس از دیگری علینژاد را به مثابه «نماینده» و حتی در این جا و آن جا «رهبر» مبارزات زنان معرفی کردند و صفحاتی از روزنامه های خود را به او اختصاص دادند. مصاحبه های او با تلویزیون های امپریالیستی «بی طرف» سی ان ان، و...، آغاز گشت تا از او شخصیت «جدید» بسازند. به موازات آن، رسانه های وابسته فارسی زبان مانند صدای امریکا، اینترنشنال، من و تو و بی بی سی، دست و دل بازانه به او تریبون دادند تا او بتواند زنان ایران و مبارزات شان را در جهت منافع آنان «رهبری» کند.

قیام ژینا در سال ۱۴۰۱ فرصت دیگری برای علینژاد بود تا از فضای به دست آمده و مبارزات شکوهمند مردم که زنان نقش پیشتاری در آن داشتند استفاده نموده و آن را به عنوان کالائی در معرض فروش به امپریالیست ها بگذارد. در همین راستا، اتحاد وی با رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، عبدالله مهندی و برخی از سلبریتی ها که هر یک از اینان برای فروش خود و مبارزات مردم در ایران سخت در رقابت با یک دیگر بودند؛ تلاشی بود برای مصادره این مبارزات و ضربه زدن به آن در خدمت به منافع پست و حقیرشان.

اما دیری نپائید تا روشن شود که علینژاد و متحدین سلطنت طلب و فرصت طلبش تنها مترسکی در دست امپریالیست ها برای فشار بر جمهوری اسلامی اند. چرا که قدرت های امپریالیستی در مقابل کسب امتیازاتی از رژیم جمهوری اسلامی و قول و قرار های پشت پرده، بر حفظ رژیم جمهوری اسلامی اصرار ورزیدند و تلاش کردند تا جمهوری اسلامی را در مقابل طوفان عظیم مبارزات مردم با نقش پیشقراولی زنان، حمایت و حفاظت کنند و در این راه بخشی از تحریم ها را کاستند و چند میلیارد دالر را آزاد کردند .

واقعیت این است که ماهیت فرصت طلبانه و نان به نرخ روز خوردن مسیح علینژاد علی رغم ادعای تغییر موضعش در قبال جمهوری اسلامی، هیچ تغییری نکرده است. اگر تا دیروز تلاش بی وقفه می کرد تا از طریق محکومیت مبارزه و مقاومت زنان در ایران علیه حجاب اجباری و تبلیغ اصلاح طلبان حکومتی موقعیت خود را در بالا رفتن از نردبان قدرت تثبیت کند، امروز همین خواست و هدف را می خواهد از طریق قدرت های امپریالیستی و متحدین ریز و درشتش برای خود ایجاد کند. برای کسب این موقعیت و جلب نظر سران و سلاطین امپریالیستی دست به هر کاری می زند؛ تا جائی که به یکی از مدافعان فاشیست های اسرائیلی در نسل کشی مردم فلسطین بدل شده است. علینژاد، خصوصاً در قیام ژینا، تمام هم و غم خود را به کار گرفت تا بتواند امپریالیست های اروپائی و امریکائی را دوست مردم ایران معرفی کند. تلاش کرد به کشورهای «دمکراتیک» که همان قدرت های امپریالیستی هستند یاد آور شود که به همان دلایلی که به کشورهای همسایه (منظور افغانستان و عراق) حمله نظامی کردید در رابطه با ایران و ساقط

کردن جمهوری اسلامی نیز همان روش را به کار برید. چرا که از نظر علینژاد با این شکل از ساقط شدن جمهوری اسلامی است که شرایط برای او و امثال او برای رسیدن به موقعیت و جایگاهی در رژیم آینده مهیا می شود.

اما واقعیت این است که قدرت های امپریالیستی وقتی فردی مثل مسیح علینژاد را به عنوان «رهبر» جنبش زنان ایران جا می زنند، تنها و تنها به دنبال منافع خود هستند و همان گونه که اشاره شد در شرایط کنونی از او و هم فکرائش هم چون رضا پهلوی، به عنوان اهرم فشار و زد و بند با رژیم جمهوری اسلامی استفاده می کنند. قدرت های امپریالیستی همواره برای تأمین منافع خود نه تنها تلاش می کنند از مبارزات مردم و از پیشروی مبارزات زنان استفاده نموده و به خدمت گیرند، بلکه وقتی منافع و ستراتیژیک شان به خطر می افتد آن را به معامله گذارند.

زنان افغانستان، هم تجاوز نظامی و هم معامله گری قدرت های امپریالیستی را تجربه کرده اند. زنان در سراسر جهان شاهد بودند که چگونه زنان افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و اروپائی با طالبان معامله شدند. زنان افغانستان با گوشت و پوست خود این معامله گری را لمس کرده و می کنند. اگر امروز نفس کشیدن زنان در افغانستان توسط امارت اسلامی طالبان ممنوع شده است، مسؤول و مسبب اصلی آن قدرت های امپریالیستی هستند.

به یاد داشته باشیم که یکی از اهداف دروغین اشغال افغانستان توسط امریکا و شرکا، رهائی زنان بود. اما آن چه که آنان در افغانستان در عمل به قدرت رساندند، یک جمهوری اسلامی بود. حکومتی را به قدرت رساندند که پس از ۲۰ سال اشغال، تنها برخی محدودیت های جهادی ها و طالبانی ها، آن هم به صورت نیم بند، در آن لغو شد و آن را به مثابه «گشایش» و آزادی زنان جار زدند. آزادی که حتی به حد نقشی که زنان در سال های قبل از دهه ۸۰ میلادی در افغانستان داشتند هم نرسید. اما همین حد از «گشایش» با لغو برخی محدودیت های نیم بند نیز بار دیگر به معامله گذاشته شد و دو دستی به طالبان تقدیم شد تا در مقابلش خدمات تروریستی طالبان برای منافع شان در منطقه خریده شود. حال در این شرایط، شرایطی که با فروکش کردن خیزش در ایران به وجود آمده است، مسیح علینژاد به دنبال فرصت در جای دیگری است که بتواند با آن سوداگری کند. حالا او این فرصت را در مورد زنان افغانستان یافته است تا همفکران خود را جمع کند و دست به دامن قدرت های امپریالیستی با نام «جامعه جهانی» شوند؛ از تصاویر زندگی زنان در افغانستان و درد و رنج آنان، از خشونت های وحشیانه طالبان بر زنان، از مقاومت و صدای اعتراض شان علیه طالبان؛ استفاده کرده و از آنان بخواهند که برای «نجات زنان» افغانستان پا پیش گذارند. در حقیقت از کسانی طلب «نجات زنان» را دارند که موقعیت کنونی زنان افغانستان حاصل زد و بند و قرار و مدارشان با طالبان بوده است.

زنان افغانستان به ویژه زنان رادیکال و مبارز به خوبی می دانند که تقویت گروه های جهادی در سال های ۸۰ میلادی توسط امپریالیست های غربی آغازی برای به قهقراء بردن موقعیت زنان افغانستان بوده است. همین قدرت های بزرگ بودند که با همکاری و همیاری پاکستان، افغانستان را به مرکز و پایگاه گروه های بنیادگرا و تروریستی بدل کردند.

ممکن است مسیح علینژاد و همفکرانش از افغانستان بنا بر منافع طبقاتی خود، بر روی این واقعیت ها خاک بپاشند، اما این روشن است که این مداخلات کشورهای امپریالیستی بود که آگاهانه زمینی حاصل خیز را برای تولد طالبان و طرفدارانش ایجاد کرد و پس از یک بار حکومت جهانی در سال های ۹۰ میلادی برای بار دوم با یک موافقت نامه، قدرت را دو دستی در فرآیندی که کابینه ترمپ و پمپو آغاز کردند و کابینه بایدن و بلینکن با اصرار و پافشاری آن را به سرانجام رساندند؛ به طالبان اعطا نمودند.

آن چه را که باید تاکید کرد این واقعیت است که زنان افغانستان و ایران دیر بازی است تحت ستم وحشیانه جنسیتی به سر می برند و به طور مشخص در چهار دهه گذشته حتی از اولیه ترین حقوق خود محروم بوده اند و همواره جان و امنیت شان در خطر قرار داشته است. بر اساس همین شرایط که زنان مبارز و انقلابی افغانستان و ایران بیست و پنج

سال پیش سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان) را تشکیل دادند. این سازمان در تمام طول حیات بیست و پنج ساله خود تلاش کرد به اشکال گوناگون نظری و عملی با درس گیری از مبارزات زنان در ایران، افغانستان و سراسر جهان بر این واقعیت پافشاری نماید که کسب اولیه ترین خواست های زنان به عنوان گام نخستین در خدمت به رهایی از ستم جنسیتی، وابسته به این است که مبارزات زنان در جهت سرنگونی انقلابی رژیم های زن ستیز حاکم بر افغانستان و ایران سازماندهی شود و نه این که چشم امید به الطاف قدرت های امپریالیستی ببندند که خود عامل اصلی تولید و باز تولید ستم در همه دنیا می باشند.

با این دید و در این مسیر، ما از هر شکل از همکاری و همیاری میان زنان ایران و افغانستان حمایت و از آن استقبال می کنیم؛ اما معتقدیم که اتحاد و ائتلاف مسیح علینژاد و هم فکرائش در افغانستان، تلاشی برای ممانعت از جهت گیری صحیح مبارزات زنان، آلوده و مسموم نمودن آن مبارزات و کشاندن آن به سمت کریدورها و دالان های محافل امپریالیستی و گدائی کردن از آنان برای «نجات زنان» است.

این بیراهه ای است که باید به طور مجدانه از جانب جنبش رادیکال زنان افغانستان و ایران افشا و طرد گردد. افشاگری و بر ملا کردن افکار مسموم و مخرب علینژاد و هم فکرائش بخشی از پیمودن پروسه صحیح مبارزه در خدمت به سرنگونی امارت اسلامی طالبان و رژیم جمهوری اسلامی از طریق انقلاب و کوتاه کردن دست کلیه قدرت های امپریالیستی؛ اولین گام در رفع ستم جنسیتی است .

**سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)**

**۲۳ حمل(فروردین) ۱۴۰۳ / ۱۱ اپریل ۲۰۲۴**